

از کدام فروشگاه خرید می‌کنید؟

## فروشگاهی که مدیرش تعهد اجتماعی دارد یا فروشگاه‌هایی که مدیرش ندارد؟

پرویز گیلاتی:

چیزی در مورد «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها» شنیده‌اید؟

شاید شنیده باشید شاید هم هرگز به این ترکیب دور از ذهن برخورد کرده‌اید. شما را نمی‌دانم اما من مدتی است که به مطالعه در این زمینه علاقه‌مند شده‌ام. شرکت‌ها، که در اصل با هدف انتفاع و سوددهی تشکیل می‌شوند، در روند بلوغ سازمانی خود به این نتیجه می‌رسند که صرف پرداختن به نتایج اقتصادی، برای فعالیت کافی نیست و باید به مسایل دیگری هم توجه شود تا ضامن بقای اعتبار آنها باشد. مسایلی که اگرچه ممکن است ارتباط کاری با آنها نداشته باشد اما شرکت‌ها خود را علاقه‌مند به انجام آن می‌دانند. به‌طور مثال خیلی خوب است اگر شرکت سایبا با آن همه محصول بی‌کیفیتی که تولید می‌کند، به انجمن نابینایان کمک کند یا بخش کوچکی از سودش را به بیماران سرطانی اختصاص دهد. یا چه اشکالی دارد اگر شرکت مخابرات که متهم به شنود است و کیفیت خدماتش هم بسیار نازل، نرم‌افزاری برای استفاده نابینایان از تلفن همراه ارایه کند تا آنها بتوانند به راحتی بفهمند که در کجا قرار دارند و در چه منطقه‌ای در حال تردد هستند. اگر چنین اقداماتی صورت گیرد، آن وقت می‌گویند، این شرکت به مسئولیت اجتماعی‌اش عمل کرده است. البته شخصا اعتقاد دارم این روند نباید اجباری باشد و رسانه‌ها هرگز نباید شرکتی را تحت فشار بگذارند که به وظایف اجتماعی‌اش عمل کند. نباید فراموش کنیم که انجام عمل خیر اختیاری است و به یاد داشته باشیم که هرگز نباید کسی را مجبور کنیم که عمل خیر انجام دهد. با این حال در دنیای تولید و تجارت افراد زیادی هستند که بی‌سروصدا، در انجمن‌های خیریه فعالیت می‌کنند. به دیدار خانواده‌های زندانیان می‌روند. برای ورشکسته‌های بازار آیین «گل ریزان» برپا می‌کنند. به انجمن بیماران و افراد ناتوان یاری می‌رسانند و کارهایی از این دست. افرادی که صفرهای بی‌شماری در حساب بانکی آنها وجود دارد اما شمار محبت‌های آنها نیز بی‌شمار است. اجازه بدهید امروز یکی از این افراد را به شما معرفی کنم و کمی از سابقه و کسب و کارش بگویم. راستش را بخواهید او را مدت زیادی نیست که می‌شناسم با این حال او را مدیری توانمند یافته‌ام. مردی که می‌خواهم وصفش را بنویسم، بهترین خودرو را سوار می‌شود. لباس مارک‌دار می‌پوشد. کراوات می‌زند و بسیار خوش برخورد است. مثل سریال‌های ایرانی، بدجنس نیست و پولش را از راه قاچاق به دست نیاورده. دندان طلا ندارد و اهل فسق و فجور هم نیست. او یک کارآفرین است که دلش برای کشورش می‌تپد. سرسفره‌اش اعضای ۵۰۰ خانواده نشسته‌اند. شاید دوهزار نفر. شاید هزار نفر، شاید هم بیشتر، دارند از کیک بزرگی که به اتفاق پخته‌اند، می‌خورند و لذت می‌برند. این آقا که شاید پنج دهه از عمرش گذشته، تحصیل کرده است و به صورت مداوم با دنیای خارج ارتباط دارد به همین دلیل محصولات شرکتش با جدیدترین روش‌های دنیا تولید می‌شود. این آقا، احمد پورفلاح است و شرکتش «سکو ایران» نام دارد که کارش تولید سازه‌های سبک ساختمانی و در و پنجره و نماهای شیشه‌ای و مهم‌تر از همه کتابخانه‌های شیک و مدرن است. در شرکت آقای پورفلاح ۵۵ محصول مختلف تولید می‌شود که شاید شما با انواع درهای پارکینگ و سقف‌های کاذب شیک تولید این کارخانه یا پارتیشن‌های فشنگ آن آشنایی داشته باشید. حتما نام این شرکت را در ساختمان‌های بزرگ و معروف دیده‌اید یا حتما شنیده‌اید که این شرکت بزرگ و سابقه‌دار، چه کتابخانه‌های شیکی تولید می‌کند. راستش را بخواهید با این نوشته نمی‌خواهم محصولات «شرکت سکو ایران» را تبلیغ کنم بلکه علاقه دارم در مورد مردی بنویسم که تعهدات زیادی در زمینه مسایل انسانی برای خودش ایجاد کرده و علاوه بر موفقیتی که در کسب و کار دارد، در زمینه مسایل خیریه هم سرآمد است. با این وجود چه اشکالی دارد اگر محصولات شرکتی را بخریم که می‌دانیم بخشی از سودش را صرف امور خیریه می‌کند. اجازه بدهید کمی در مورد فعالیت‌های خیریه آقای پورفلاح بنویسم. حتما نام موسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان (محک) را شنیده‌اید. ۱۸ سال پیش فرزند دوساله خانم سعیده قدس به بیماری سرطان مبتلا شد. خانم قدس نذر و نیت کرد که اگر فرزند دلبندش از این بیماری نجات یابد، موسسه‌ای برای کودکان مبتلا به سرطان تأسیس کرده و تمام تلاش خود را معطوف به نجات این دست از کودکان کند. مدتی گذشت و فرزند خانم قدس از این بیماری نجات یافت و او مصمم شد تا موسسه خیریه‌اش را ایجاد کند. نیت انسانی خاتم قدس به طور قطع نیاز به پشتوانه مالی داشت. به این ترتیب احمد پورفلاح و چند کارآفرین دیگر، آستین‌ها را بالا زدند و موسسه محک را پشتیبانی و ایجاد کردند. موسسه محک، اکنون به خانه امید مبتلایان به سرطان تبدیل شده و کارهای فرهنگی این موسسه باعث شده است تا ریشه این بیماری وحشتناک و مهلک، به شکل بی‌سابقه‌ای خشکانده شود. در دنیای

که عده‌ای با زور و حيله‌گري به دنبال قدرت و پول هستند، خوش به سعادت آقای پورفلاح و دوستانش که همتشان بلند است و انسانيتشان خالص که اين گونه توفيق خدمت به انسان‌های ناتوان را پيدا کرده‌اند. من درطول دوران سرمايه‌گذاري ام، آدم‌های زيادی رادیده‌ام. آدمی دیده‌ام که نفقه خواهر بيوه‌اش را بالا کشيده. آدمی دیده‌ام که به دسترنج کارگرش رحم نکرده. مدبری دیده‌ام که بنای زندگي‌اش را با دروغ و حيله‌گري و به اصطلاح مال‌مردم‌خوري ايجاد کرده. آدم‌های بد زيادی دیده‌ام اما نه آن‌گونه که نويسندگان و کارگردانان تلویزيون در سریال‌هایی که با پول مردم ساخته می‌شود، همه سرمايه‌گذاران را دروغ‌گو و زالوصفت و گرگ‌چهره معرفی می‌کنند. نه آن‌گونه که در تلویزيون، همه کارآفرینان، دزد و دغلند که به هيچ کس رحم نمی‌کنند و همه را به خاک سياه می‌نشانند. با فرهنگ غلطی که تلویزيون ايجاد کرده، هر کس سوار سائتافه و لکسوس و پرادو شود، باید آدم خلافکاری باشد که حتما پدرش را کشته و حق برادر و خواهرش را خورده تا پولدار شود. کلی درخت سربریده و کلی ساختمان قدیمی تخریب کرده تا آپارتمان‌سازی کند. اما باور کنید خیلی‌ها را که من از نزدیک می‌شناسم، هرگز چنین شخصیت نداشته و ندارند. باور کنید مثل آقای پورفلاح کم نداریم. پورفلاح مدبری است که از ۳۵ سال پیش کار تولید و صنعت، پیشه کرده و در این مدت به شرافتمندانه‌ترین شکل ممکن، کارآفرینی کرده و سود آفریده است. گفتم قصد تبلیغ ندارم اما حالا که این نوشته به آخر رسیده، می‌خواهم از شما سؤالی بپرسم. اگر دو فروشگاه شيك و تمیز در مقابل خود ببینید که هر دو محصولاتی شبیه هم دارند اما یکی مدبری دارد خوش برخورد، با اصل و نسب، متعهد به مسایل اجتماعی و خیر و نیکوکار و دیگری مدبری دارد که سرش توی کار خودش است و به هيچ چیز کاری ندارد، کدام را انتخاب می‌کنید؟ از کدام فروشگاه جنس می‌خرید؟ شاید نیازی به خرید کتابخانه و سقف کاذب ندارید یا نمی‌خواهید در ساختمان خود از کرکره و سایه‌بان اتوماتیک استفاده کنید. شما حق دارید و کسی شما را وادار به این کار نکرده اما اگر فکر می‌کنید با یک تشکر کوتاه می‌توانید به یک کارآفرین متعهد که بخش عمده‌ای از درآمدش را صرف امور خیریه می‌کند، ادای دین کنید، همین الان تلفن را بردارید و از آقای پورفلاح تشکر کنید. شماره شرکت سکو ایران و موسسه محک را می‌توانید از ۱۱۸ بگیرید.